



Financial Coaching and Financial Therapy: Differences and Boundaries

Shokrollah khajavi¹, Arezoo Mosallanejad²

Received: 2022/07/16
Accepted: 20200/09/03

Review Paper

Abstract

"Financial therapy" and "financial coaching" are relatively new terms in the financial literature. Study and research in these two areas is increasing rapidly and all of these studies emphasize their importance. The purpose of this conceptual paper is to disentangle differences between financial coaching and financial therapy. At first the experiences of financial educators identify with review studies and finally introduce the types of competencies required (including experience, skills, knowledge and awareness) to perform the tasks assigned to them based on the knowledge gained. While financial coaching and financial therapy share many techniques and approaches, financial therapy is a more inclusive practice. Financial therapy (e.g., financial therapists) has the ability to address dysfunctional money attitudes, as well as money disorders, and covers a wider time spectrum of healing a person's past trauma and old pains. Another difference between financial coaching and financial therapy that is discussed in the paper is the arrangement of services and compensation. The paper does not suggest that one approach is better or right. Each approach can be appropriate for particular situations.

Keywords: Finances, Financial coaching, Financial health and Financial Therapy.

JEL Classification: G4, G40.

1. Professor, Faculty of Economic, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author)
(Email: shkhajavi@rose.shirazu.ac.ir)

2. Assistant Professor, Faculty of Literature and Human Science, Jahrom University, Jahrom, Iran
(Email: Mosallanejada2@gmail.com)





مربی‌گری مالی و مالی درمانی: تفاوت‌ها و مرزبندی‌ها

شکرالله خواجوی^۱، آرزو مصلی‌نژاد^۲

مقاله مروری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

چکیده

«مالی درمانی» و «مربی‌گری مالی» اصطلاحاتی نسبتاً جدید در ادبیات مالی هستند. مطالعه و پژوهش در این دو حوزه به سرعت در حال افزایش است و همه این پژوهش‌ها بر اهمیت آن‌ها تأکید دارند. هدف از این پژوهش مفهومی، تحلیل تفاوت‌های بین مربی‌گری مالی و مالی درمانی است. با وجودی که مربی‌گری مالی و مالی درمانی از نظر بسیاری از تکنیک‌ها و رویکردها شرایط تقریباً مشابه دارند، مالی درمانی یک رویه فراگیرتر در این حوزه می‌باشد. با مطالعه‌ای مروری ابتدا تجربیات مربی‌های مالی شناسایی و در نهایت انواع صلاحیت‌های مورد نیاز (شامل تجربیات، توانایی‌ها، دانش و آگاهی) برای انجام وظایف محول شده به آن‌ها براساس شناخت به دست آمده معرفی شده است. مالی درمانی (برای مثال: درمانگران مالی) از توانایی مشخص برای بیان ویژگی‌های پولی غیر کارآمد و نیز اختلالات مالی برخوردار بوده و یک طیف زمانی گسترده‌تر را برای درمان مشکلات قبلی فرد و عوارض مالی مزمن پوشش می‌دهد. تفاوت دیگر بین مربی‌گری مالی و مالی درمانی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته مربوط به هماهنگی خدمات و مزایای فرد است. با توجه به شرایط موجود در پژوهش حاضر برتری خاص برای یکی از این رویکردها نسبت به رویکرد دیگر در نظر گرفته نشده و هر کدام از آن‌ها می‌تواند برای شرایط خاص مناسب و مفید باشند.

کلیدواژه: مالی، مربی‌گری مالی، سلامت مالی، مالی درمانی. پژوهش‌های انسانی و مطالعات رفتاری
رتال جامع علوم انسانی

طبقه‌بندی موضوعی: G4، G40

۱. استاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) (Email: shkhajavi@rose.shirazu.ac.ir)

۲. استادیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جهرم (Email: Mosallanejada2@gmail.com)



مقدمه

«مالی درمانی» و «مربی‌گری مالی» اصطلاحاتی نسبتاً جدید در ادبیات مالی هستند. مطالعه و پژوهش در این دو حوزه به سرعت در حال افزایش است و همه این پژوهش‌ها بر اهمیت آن‌ها تأکید دارند. البته این تلاش‌های ارزشمند هنوز به نتیجه قابل ارائه‌ای منجر نشده‌است. مالی درمانی به ارزیابی و مواجهه با جنبه‌های مختلف سلامت مالی شامل جنبه‌های شناختی، هیجانی و احساسی، رفتاری، رابطه با مسائل مالی و اقتصادی می‌پردازد. درمانگران مالی همچنان از تلفیق نظریه‌های مالی درمانی و فنون تجربی استفاده می‌کنند. با توجه به پژوهش‌هایی که درباره مسائل مالی و سلامت روانی جامعه انجام شده‌است، لزوم پیاده‌سازی هر چه بیشتر روش‌های مالی درمانی در حوزه‌هایی که با مسائل سلامت اجتماعی جامعه در ارتباط هستند به اثبات رسیده‌است (پالمر^۱، ۲۰۱۱). نقش پول در زندگی ما بسیار پررنگ است. پول پیامدهای نمادین و واقعی در زندگی ما دارد. پویایی‌های مالی هویت ما را شکل داده، روابط ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند و ابزاری را برای بقای شخصی، خانوادگی، اجتماعی و همچنین تجمعاتی فراهم می‌نمایند. ارزش‌های اجتماعی، شخصی و اصول قدرت، کنترل، سلسله‌مراتب، طمع، سخاوت، آزادی، ارتباط/قطع ارتباط و موارد دیگر همه بر سر پول پدید می‌آیند. به طور خلاصه، پول در هر کاری که انجام می‌شود، نقش برجسته‌ای ایفا نموده و به این ترتیب معانی مرتبط با ارزش‌ها را شکل می‌دهد. این معانی بر تصمیم‌های ضمنی و صریح اتخاذ شده، سیاست‌های ایجاد شده و همچنین پیامدهای مورد نظر و ناخواسته‌ای که به وجود می‌آید تأثیر می‌گذارد. به همین ترتیب، همه مسائلی که در درمان به آن پرداخته می‌شود (هویت، سلامت عاطفی/فیزیکی/شناختی، قدرت، تبعیض، ارتباطات، روابط، ازدواج، طلاق، سلامت و موارد دیگر) با مسائل مالی مرتبط هستند. این تقاطع‌های پیچیده، گروه‌های فردی را با تبعیض‌های اجتماعی و نهادی در خصوص منابع مالی، به چالش می‌کشد (گل و همکاران^۲، ۲۰۲۰). اختلاف نظر در مورد پول یکی از دلایل مهم و تکراری درگیری در روابط زوجین است. مطالعات اندکی تا به امروز پویایی پول را در زمینه زوجی بررسی کرده‌اند و حتی تعداد کمتری نیز تأثیراتی را که ممکن است مالی درمانی بر نتایج رابطه و نیت‌های کمک‌جویی داشته باشد، بررسی نموده‌اند. رویکردهای مالی درمانی ممکن است به زوج‌ها کمک کند، زیرا موضوعات عاطفی و رابطه‌ای مرتبط با تصمیمات و رفتارهای مالی مشترک به صورت جداگانه در نظر گرفته می‌شوند (فورد و همکاران^۳، ۲۰۲۰). طی ۲۰ سال گذشته، مربی‌گری مالی به عنوان یک استراتژی برای کمک به افراد برای بهبود خودکارآمدی مالی، دستیابی به اهداف مالی و افزایش درک رفاه مالی، محبوبیت زیادی پیدا کرده است. تحقیقات اولیه، اثربخشی آن را در دستیابی به نتایج مثبت از جمله کاهش بدهی و افزایش پس‌انداز برای مشتریان کم‌درآمد نشان داده‌است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد شناسایی این که چه جنبه‌هایی از مربی‌گری مالی برای جذب خانواده‌های با درآمد بسیار کم و دارای رفاه مالی پایین ارزشمندتر است، به تحقیقات کیفی بیشتری نیاز دارد (مارلو و همکاران^۴، ۲۰۱۹). از زمان بحران مالی ۲۰۰۸، علاقه مجددی به ارائه آموزش‌های مالی برای بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی مصرف‌کننده، به‌ویژه در میان جوانان وجود داشته‌است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد تأثیر آموزش مالی عمدتاً ناشی از بهبود خودکارآمدی است و بینش‌های مهمی را برای سیاست‌گذارانی که به دنبال گنجاندن آموزش مالی در برنامه‌های توسعه نیروی کار جوانان هستند، ارائه می‌دهد (مدستینو و همکاران^۵، ۲۰۱۹).

1. Palmer
2. Gale et al.
3. Ford et al.
4. Marlowe et al.
5. Modestino et al.

بخش مدیریت مالی خانواده، بستری را برای بخش‌های رو به رشد در حوزهٔ مربی‌گری مالی و مالی درمانی ارائه می‌نماید. شباهت بین مربی‌گری مالی و مالی درمانی گسترده است و همچنین تفاوت‌های آشکار در این رابطه نیز وجود دارد که شناخت آن‌ها برای حرفه و استفاده‌کنندگان مهم است. یکی از اجزای کلیدی موجود در هر دو حوزه، فقدان قوانین و مقررات است و هر فردی می‌تواند به سادگی خود را یک مربی یا درمانگر مالی معرفی نماید. با بررسی وضعیت موجود می‌توان مشاهده کرد مجموعهٔ گسترده‌ای از گواهینامه‌ها و مدارک معتبر در این حوزه وجود دارند که متأسفانه این مدارک برای افراد استفاده‌کننده در حالت عمومی بی‌اهمیت هستند (پالمر، ۲۰۱۱). این شرایط در عمل، باعث شده ارجاع به مفاهیم مربی‌گری مالی و مالی درمانی به یک مسئولیت دشوار در بخش حرفه‌ای علوم خانواده تبدیل شود. متخصصان و نمایندگان فعال در این حوزه، خط مقدم شناسایی مشکلات مالی بالقوه در خانواده‌هایی هستند که در ادامه نیاز به مداخله‌ای فراتر از تشکیل یک سمینار گروهی دارند. به این ترتیب با شناسایی و تشخیص تفاوت‌های موجود بین مربی‌گری مالی و مالی درمانی، حساب‌رسان می‌توانند شفافیت لازم را به حوزهٔ علوم خانواده اضافه نمایند و در ادامه می‌توان انتظار داشت که با ارائهٔ این اطلاعات یک منبع ارجاع جایگزین برای افراد و خانواده‌ها در مواقع لازم ایجاد شود. بنابراین هدف این پژوهش شناسایی تجربیات مربی‌های مالی و در نهایت معرفی انواع صلاحیت‌های مورد نیاز (شامل تجربیات، توانایی‌ها، دانش و آگاهی) برای انجام وظایف محول شده به آن‌ها براساس شناخت به‌دست‌آمده در جهت یک گام حرکت به سمت جلو در این حوزه است (پالمر، ۲۰۱۱).

پژوهش در حوزهٔ مالی درمانی به سرعت در حال افزایش است و تاکنون پژوهش‌های گسترده‌ای در این حوزه صورت گرفته است و همگی اهمیت این رشته جدید را به اثبات رسانده‌اند. این رشتهٔ نوظهور در حال تدوین یک نظریه مستند برای معرفی چارچوب‌های کلی این حوزه است. با وجود تلاش‌های بسیار، حوزهٔ مالی درمانی هنوز فاقد یک تئوری مستند است. درمانگران مالی همچنان از تلفیق نظریه‌های مالی درمانی و تکنیک‌های تجربی استفاده می‌کنند. با توجه به پژوهش‌هایی که در مورد مسائل مالی و سلامت روانی جامعه انجام گرفته است، لزوم پیاده‌سازی هرچه بیشتر روش‌های مالی درمانی در حوزه‌هایی که با مسائل سلامت اجتماعی جامعه در ارتباط هستند به اثبات رسیده است (تراچتمن^۱، ۲۰۱۵).

فعالیت‌های انجام‌شده در این پژوهش می‌تواند شفافیت و آگاهی بیشتر را نسبت به حوزهٔ مالی از طریق بررسی رویکردها و چارچوب مفهومی مشترک در ارتباط با مربی‌گری و درمانگری فراهم نماید. در این حوزه براساس دیدگاه انجمن مالی درمانی که در سال ۲۰۰۹ تأسیس شد، مربیان مالی نوعی درمانگر مالی هستند. درمانگران مالی در بسیاری از حوزه‌های مختلف همچون ازدواج و خانواده‌درمانی، روان‌شناسی و برنامه‌ریزی مالی فعالیت می‌کنند (پالمر، ۲۰۱۱). هریک از مراکز حرفه‌ای مالی درمانی دارای رویکردها و دستورالعمل‌های خاص خود در ارتباط با رویه‌های اجرایی هستند. به این ترتیب مالی درمانی چتری است که در زیر آن مربیان مالی خدمات خود را مشابه متخصصان قلب به افراد ارائه می‌دهند. با وجودی که یک متخصص قلب دارای دانش و آگاهی خاص در حوزهٔ درمان بیماری‌های قلبی است، همواره امکان دارد فردی هنگام مراجعه به دکتر به دنبال جا انداختن لگن خود باشد. به نحو مشابه، یک مربی مالی نیز در برخی انواع خاص درمان‌ها تخصص دارد، اما کسی که به مربی مالی مراجعه می‌کند الزاماً به دنبال درمان مشکلات ذهنی در ارتباط با مسائل مالی خود نیست. به این ترتیب می‌توان بیان کرد هدف از مربی‌گری مالی و مالی درمانی بهبود سلامت مالی افراد و خانواده‌ها، مشابه پزشکان سلامت است، که با هدف مشابه یعنی بهبود سلامت فیزیکی و روحی افراد فعالیت می‌کنند (کلونتز و همکاران^۲، ۲۰۱۵).

شبهات‌های متعدد بین مربی‌گری مالی و مالی درمانی وجود دارد؛ اما تفاوت‌هایی نیز دارند که شناخت آن‌ها برای افراد مراجعه‌کننده (و نیز افراد حرفه‌ای مشاوره‌دهنده در ارتباط با فرایند تصمیم‌گیری) می‌تواند اهمیت خاص داشته باشد. تفاوت اصلی بین مربی‌گری مالی و مالی درمانی که در این پژوهش مورد بحث قرار گرفته مربوط به پارامترهای تشخیص و ارزیابی، جهت‌گیری زمانی، روش‌های دریافت حقوق و دستمزد و روابط کاری است (برسر و ویلسون^۱، ۲۰۱۰، گل و همکاران، ۲۰۱۲ و مدستینو و همکاران، ۲۰۱۹). قبل از تشریح هر یک از این تفاوت‌ها، در پژوهش حاضر یک بررسی کلی نسبت به مالی درمانی و مربی‌گری مالی ارائه شده است.

مربی‌گری مالی و مالی درمانی

مربی‌گری مالی

مربی‌گری مالی در طول سال‌های اخیر رواج روز افزون پیدا کرده است. این رویکرد رو به رشد هیچ محدودیتی در ارتباط با شکل‌گیری نداشته و معیارهای استاندارد نیز در ارتباط با نتایج مورد انتظار خود ندارد. همان‌طور که نام این رویکرد نشان می‌دهد، مربی‌گری مالی تجمیعی از مفاهیم مالی با تئوری‌های خاص در حوزه مربی‌گری روان‌شناختی است (دلگادیلو^۲، ۲۰۱۴). در سال‌های گذشته، اداره حفاظت مالی از مصرف‌کننده، مربی‌گری مالی را به عنوان یک رویکرد متمایز از آموزش مالی و مشاوره مالی معرفی کرده، اما این اداره هیچ تعریف خاصی برای آن ارائه نکرده است (کلونتز و همکاران، ۲۰۱۱ و لاوسون و همکاران^۳، ۲۰۱۵).

هرچند مدرسان و مشاوران مالی ممکن است از تجربیات مربی‌گری در انجام فعالیت خود استفاده کنند، مربی‌گری مالی یک مدل متمایز نسبت به فعالیت‌هایی است که در ارتباط با مشتریان انجام می‌شود. در این بخش بر خلاف فعالیت‌های انجام‌شده برای آموزش یا مشاوره مالی که به دنبال ارائه اطلاعات و آگاهی یا کمک به حل و فصل مشکلات هستند، مربی‌گری بر کمک به مشتریان برای دستیابی به اهداف آن‌ها از طریق بهبود عملکرد و تغییر رفتار متمرکز است. هدف از این رویکرد، حمایت از افراد در توسعه تجربیات و رفتارهای مورد نیاز به منظور دستیابی به اهداف مالی آن‌ها می‌باشد. مربی مالی به شما کمک می‌کند که برای خود اهدافی مالی ایجاد کنید و به آن‌ها پایبند باشید. همچنین می‌تواند در یک پروژه مالی از صفر تا صد در کنار شما باشد و در مراحل رسیدن به آن شما را یاری کند (لاوسون و همکاران، ۲۰۱۵).

به منظور دنبال کردن اهداف تعیین‌شده برای این پژوهش، از تعاریفی که مراجع اداره حفاظت مالی از مصرف‌کننده و فدراسیون بین‌المللی مربی‌گری برای مربی‌گری مالی ارائه داده‌اند استفاده شده است. در واقع تعریف ارائه‌شده فدراسیون بین‌المللی مربی‌گری تکمیل‌کننده تعریف اداره حفاظت مالی از مراجعه‌کننده است که در آن به‌طور مشخص تعاریف مناسب درباره چگونگی ایفای رابطه حمایتی ارائه گردیده است. براساس تعریف فدراسیون بین‌المللی مربی‌گری، رویکرد مربی‌گری عبارت است از: «مشارکت با افراد در یک رویه تأمل‌برانگیز و خلاقانه که منجر به القای الگوی مبتنی بر حداکثرسازی منافع مالی شخصی، حرفه‌ای و بالقوه شده و این شرایط به‌طور خاص برای دنیای مالی پیچیده و غیرقطعی امروزی با اهمیت می‌باشد». به این ترتیب گسترش روزافزون رویه‌های مبتنی بر مربی‌گری مالی از مشتریان در ارتباط با فعالیت آن‌ها در راستای دستیابی به اهداف مالی شخصی و نیز در ارتباط با فرایند ایجاد دارایی حمایت و پشتیبانی می‌کند (کلین و همکاران، ۲۰۱۳ و مور و همکاران^۴، ۲۰۱۰).

1. Bresser & Wilson
2. Delgado
3. Lawson et al.
4. Moore et al.

هرچند در پژوهش حاضر، بیان شده که مربی‌گری مالی متفاوت از مربی‌گری فردی یا مربی‌گری زندگی است، می‌توان مربی‌گری مالی را براساس سه اصل کلی ناشی از فلسفه مربی‌گری به شرح زیر تعریف کرد: (۱) مربی مالی باید دارای لیاقت‌های حوزه‌محور و نیز مهارت‌های ارتباطی باشد؛ (۲) فرد تحت مربی‌گری به‌طور کلی باید زیرک، خلاق و متخصص مسائلی باشد که در ارتباط با فعالیت مالی خود با آن مواجه می‌شود (مور و همکاران، ۲۰۱۰ و ۳) باید بین مربی و فرد تحت مربی‌گری هماهنگی در فعالیت‌ها وجود داشته باشد (گرت، ۲۰۱۴).

براساس دیدگاه فدراسیون بین‌المللی مربی‌گری، یک مربی چهار مسئولیت کلیدی بر عهده دارد: (۱) کشف، توضیح و همسویی با آنچه فرد به دنبال دستیابی به آن است؛ (۲) تشویق شرایط خوداکتشافی در فرد مراجعه‌کننده؛ (۳) استخراج راهکارها و استراتژی‌های معرفی‌شده فرد (برسر و ویلسون، ۲۰۱۰) و حفظ شرایط مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در فرد. علاوه بر این، مربی‌گری به این دلیل که یک رویکرد راهکارمحور بوده و با هدف دستیابی به اهداف خاص و ایجاد تغییرات رفتاری (مالی) در طول زمان از طریق توسعه یک همکاری کاری بین مربی و فرد تحت مربی‌گری انجام می‌شود، در عمل بسیار مؤثر است (گرت، ۲۰۰۵) و با ارائه فرصت برای مشارکت خاص در اقدامات خودانعکاسی و نیز ایجاد آگاهی نسبت به شرایط موجود به افراد مختلف در حوزه مسائل (مالی) کمک می‌نماید (گرت، ۲۰۱۴).

به‌طور کلی، مربی‌گری در برگیرنده فلسفه‌ای است که مطابق آن مربی به عنوان کاتالیزور تغییر از مجموعه متنوعی از تکنیک‌ها برای استعلام اطلاعات استفاده کرده و در ادامه آگاهی و دانش معنی‌دار و فردی را از طریق تعاملات و تکنیک‌های فردی استخراج می‌نماید (گل و همکاران، ۲۰۱۲). در این شرایط، مربی مالی به‌طور مشخص متفاوت از یک مشاور مالی اصلاحی است، زیرا در این حوزه مربی‌گری، گرایش بر حرکت افراد به سوی پیشرفت به جای تمرکز بر اصلاح یک مشکل مالی خاص همچون مخارج یا ورشکستگی دارد (چاترجی و فاند، ۲۰۲۱). به این ترتیب در رویکرد مربی‌گری نتایج می‌توانند پشتیبان رابطه بین مربی و فرد تحت مربی‌گری او باشند. در این راستا مربی‌گری از یک رویکرد مبتنی بر تحکیم روابط استفاده کرده و در عمل مبتنی بر دستور کار ارائه شده خود فرد می‌باشد (برای مثال: اهداف مالی تعیین‌شده فرد مراجعه‌کننده برای خود فرد). مربی مالی معمولاً طی چندین جلسه یا دوره زمانی با شما کار می‌کند و دقیقاً در جریان امورات مالی شما قرار می‌گیرد تا بتواند با فکری آزاد برای مشکلات مالی یا اهداف مالی شما برنامه‌های مناسب پیشنهاد دهد (برسر و ویلسون، ۲۰۱۰).

مربیان مالی در جامعه نقش مهمی، از طریق به‌کارگیری یک رویکرد زمینه‌محور برای مسائل مالی داشته و در انجام وظایف خود به چالش‌های افراد توجه می‌کنند. طی سال‌های اخیر در کشور ما نیز استفاده از مربیان مالی رواج یافته است. در حقیقت مربی‌گری مالی باعث بهبود تناسب بین اهداف مالی مشتریان و اهداف و ارزش‌های فردی آنها شده و در عملکرد خود بر فرایند تأکید می‌کند نه بر محتوا. برخلاف آموزش مالی که با بهره‌مند شدن از آگاهی و تجربه همراه است، الگوی تعامل بین مربی و فرد تحت مربی‌گری مبتنی بر تشویق، ایجاد انگیزه و شناخت فرد نسبت به نقاط قوت و راهکارهای موجود است. به این ترتیب این الگو در عمل از یک مدل آموزش تخصصی به یک مدل خودتنظیم، تغییر شکل داده و مبتنی بر مدل آموزش بزرگسال است (۱۳). مربی‌گری مالی رویکردی رو به گسترش است که هدف آن کمک به افراد و خانواده‌ها برای دستیابی به یک الگوی رفتاری مثبت می‌باشد. این تغییرات مثبت می‌توانند شامل افزایش سطح تجربیات مالی، بهبود عملکرد مالی و یا تشویق برای توسعه مالی باشند (ویدراسپون و وایت، ۲۰۰۳).

چاترجی و فان (۲۰۲۱) در پژوهش خود از ۱۲۳۷ پاسخ‌دهنده از مجموعه داده‌های پژوهش سلامت و بازنشستگی برای بررسی روابط بین شخصیت، مشاوره مالی و رضایت از زندگی سالمندان ایالات متحده استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که برون‌گرایی با جستجوی مشاوره مالی حرفه‌ای ارتباط منفی دارد، در حالی که وظیفه‌شناسی و گشودگی با جستجوی مشاوره مالی حرفه‌ای ارتباط مثبتی دارد. افراد دارای ویژگی شخصیتی روان‌رنجور ارتباط مثبتی با درخواست مشاوره مالی از خانواده و دوستان داشتند. علاوه بر این، جستجوی مشاوره مالی حرفه‌ای و برون‌گرا و وظیفه‌شناس بودن، با رضایت از زندگی در میان سالمندان مرتبط بود. پیامدها برای درمانگران و مشاوران مالی شامل پیشنهادهایی برای اجرای استراتژی‌های مشاوره مشارکتی متقابل هنگام کار با مشتریان مسن‌تر است که ممکن است مشکلات مربوط به سلامت جسمی و روانی را تجربه کنند. پیامدهای یافته‌ها برای سیاست‌گذاران نیز مورد بحث قرار می‌گیرد (چاترجی و فاند، ۲۰۲۱).

ویترسپون و وایت (۲۰۰۳) در پژوهش خود یک متارویکرد را برای مربی‌گری تشریح کرده که ترسیم‌کننده سه طبقه خاص از مربی‌گری است که می‌تواند مبنایی برای قیاس مربی‌گری مالی به شرح زیر باشد: (۱) مربی‌گری تجربیات؛ (۲) مربی‌گری عملکرد و (۳) مربی‌گری توسعه. همان‌طور که گرنث (۲۰۰۵) بیان کرده، این طبقه‌ها گسسته و جدا از یکدیگر نیستند. در این شرایط مربی‌گری تجربیات را می‌توان به سادگی به عنوان مربی‌گری یک فرد در ارتباط با شرایط یادگیری شخصی به عنوان یک مجموعه خاص از تجربیات تعریف کرد. این رویکرد بیشتر از نظر ماهیت جنبه آموزشی و رهنمودی داشته و به‌طور خاص باورها، ویژگی‌ها و احساسات زیربنایی فرد تحت مربی‌گری را مورد توجه قرار نمی‌دهد. این شرایط معمولاً کوتاه‌مدت بوده و با هدف‌گیری مشخص نسبت به تجربیات و صلاحیت‌های خاص فرد به منظور بهبود اثربخشی یک عملکرد صورت می‌گیرد. مربی‌گری عملکرد با بهبود عملکرد در طول یک دوره زمانی خاص ارتباط دارد. جلسات مربی‌گری می‌تواند بازه‌ای از یک‌ماه تا دو سال را پوشش دهد. این نوع از مربی‌گری با تمرکز بر فرایندی که براساس آن فرد تحت مربی‌گری اهداف خود را تعیین و بر موانع غلبه کرده، فعالیت خود را ارزیابی نموده و نیز بر عملکرد موجود نظارت دارد، انجام می‌شود. مربی‌گری توسعه در مقایسه با سایر گروه‌ها بیشتر یک حالت کلی‌نگر دارد که با سؤالات و ابهاماتی که بیشتر ذاتی هستند، مربوط می‌باشد. مربی‌گری توسعه نیازمند فضای شخصی بیشتر است هنگامی که فرد تحت مربی‌گری بتواند مسائل مربوط به یکدیگر را در ارتباط با صلاحیت‌ها و ویژگی‌های فعالیت داخلی، خارجی و نسبی بررسی کرده و برنامه اقدامات خود را در یک محیط رقابتی مشخص تدوین نماید (گل و همکاران، ۲۰۲۰).

در نهایت تمرکز مربی‌گری توجه به نقاط قوت موجود و تمرکز بر ایجاد راهکار مناسب با هدف تحلیل مشکلات است (کوفین و کوتو^۱، ۲۰۰۹). یکی از مسائل کلیدی در ارتباط با مربی‌گری روانی مربوط به این اعتقاد است که بررسی دلایل ایجاد مشکلات می‌تواند باعث ایجاد تأثیرات غیرمنتظره نسبت به رواج یک رفتار چالش‌برانگیز و آسیب‌زا در بین افراد شود (کلانسی و بینکرت^۲، ۲۰۱۲). هنگامی که فرد تحت مربی‌گری احساس سرخوردگی و ناتوانی کند، مربی‌گری مالی می‌تواند به فرد تحت مربی‌گری برای کوچک‌تر کردن گام‌ها و اقدامات کمک نماید و به این ترتیب احساس نامناسب ایجادشده در فرد مورد نظر از بین خواهد رفت. افراد در هر شرایطی که می‌خواهند برای برنامه‌ریزی‌های مالی خود، شخصی فراتر و ریزبین‌تر از مشاور در کنار خود داشته باشند، می‌توانند از کمک مربیان مالی استفاده کنند. در جریان مشاوره، شما فقط راه‌حلهایی دریافت می‌نمایید و مسئول اجرای آن راه‌ها هستید، اما در مربی‌گری مالی، مربی در کنار شما است و با پیگیری‌های مجدد و ایجاد مسیرهای مختلف سعی می‌کند، شما

را مجبور به انجام راه حل کند. بنابراین مربی مالی می‌تواند یک محرک بسیار عالی باشد که شما را از رخوت و سستی انجام راه حل‌ها برای امورات مالی دور نماید (پالمر، ۲۰۱۱).

مالی درمانی

روانشناسان نخستین افرادی بودند که دریافتند روش‌های سنتی درمان در بسیاری از موارد در حل مسائل روانی مددجویان ناکارآمد است. آنان دریافتند ریشه بسیاری از مسائل روانی افراد، مانند استرس، اضطراب و مسائل خانوادگی، تنها با توصیه‌های روان‌شناسی حل نمی‌شود و رفع مسائل مالی و تغییر در نحوه نگرش افراد به مسائل مالی در درمان بسیاری از آن‌ها ضروری است. با وجود آگاهی آنان از این موضوع، وارد شدن به حوزه مالی برای روان‌شناسان دشوار به نظر می‌رسید؛ زیرا پیچیدگی‌های مسائل مالی و ارائه راه‌حل‌های مالی برای آنان ممکن نبود چون در دانشگاه برای رشته‌های روان‌شناسی، روان‌پزشکی و سلامت اجتماعی تقریباً هیچ واحد آموزشی درباره مسائل مالی وجود ندارد. مشابه مربی‌گری مالی، مالی درمانی در طول سال‌های اخیر گسترش پیدا کرده اما هنوز با وجود تغییرات ایجاد شده در مراحل اولیه رشد خود می‌باشد. انجمن مالی درمانی این رویکرد را به عنوان «تجمیع شناخت، احساس، رفتار، منطق و جنبه‌های اقتصادی تأثیرگذار بر سلامت مالی و در نهایت کیفیت زندگی افراد» تعریف کرده است (۲۱). مشابه مربی‌گری مالی، در این حوزه نیز محدودیتی برای فعالیت وجود ندارد و هیچ معیار استنادی برای یک رویکرد مؤثر مالی درمانی تعریف نشده است. در حقیقت، انجمن مالی درمانی به دنبال ایجاد فرصتی برای اعضا به منظور به اشتراک‌گذاری تحقیقات و رویه‌های اجرایی خود با یکدیگر است و درین باره مجموعه‌ای تعریف شده از دستورالعمل‌ها را در اختیار دارد.

درمانگران مالی از یکی از دو حوزه گسترده در حوزه مالی (برای مثال: برنامه‌ریزی مالی یا مشاوره مالی) یا سلامت روانی (برای مثال: ازدواج یا خانواده درمانی، روان‌شناسی یا فعالیت اجتماعی) شناخته می‌شوند (آسیبیدو و همکاران^۱، ۲۰۱۳). معمولاً افراد حرفه‌ای در حوزه سلامت روانی می‌توانند دارای انگیزه‌ای مشخص برای همکاری با افراد حرفه‌ای مالی باشند و این شرایط باعث می‌شود افراد حرفه‌ای در حوزه مالی به اطلاعات افراد حرفه‌ای فعال در حوزه سلامت روانی نیاز داشته باشند (آسیبیدو و همکاران، ۲۰۱۳).

قابلیت‌های یک درمانگر مالی به سایر صلاحیت‌ها یا گواهینامه‌های حرفه‌ای وی وابسته است. همان‌طور که فقط افراد حرفه‌ای معتبر در حوزه سلامت روان می‌توانند مشکلات افراد را شناسایی کنند، فقط افراد حرفه‌ای فعال و معتبر در حوزه مالی می‌توانند معاملات مالی را برای مشتریان خود انجام دهند. به هر حال شرایط فوق به این معنی نیست که اجرای یک معامله مالی برای یک مشتری، معادل تشخیص یک مشکل روانی برای یک فرد می‌باشد. به هر حال، مقرراتی وجود دارد که نشان می‌دهد چه رویه‌هایی در حوزه فعالیت‌های تحلیل‌گران مالی قرار گرفته و در مرزهای آن تعریف می‌شود؛ بنابراین با توجه به شرایط فوق مهم است که تحلیل‌گران مالی درک مناسب از آموزش‌های زیربنایی نسبت به حوزه فعالیت آن‌ها در ارتباط با مالی درمانی داشته باشند. از سوی دیگر فقدان گواهینامه‌ها یا موانع برای ورود به حوزه مالی خاص مالی درمانی می‌تواند برای مراجعه‌کنندگان و افراد حرفه‌ای به‌طور مشابه باعث ایجاد دشواری و پیچیدگی شده و بی‌تردید مانع از فرایند کمک‌رسانی به افراد مختلف در این حوزه شود (ویلیامز و دیویس^۲، ۲۰۰۷).

1. Asebedo et al.

2. Williams & Davis

مدل رابطه‌ای هیلز (۱۹۴۹) یکی از مطرح‌ترین مدل‌های مالی درمانی است. مدل هیلز توضیح می‌دهد که چرا برخی خانواده‌ها هنگام مواجهه با عوامل استرس‌زا به‌خوبی با آن روبرو می‌شوند و حتی به خاطر آن رشد می‌کنند، در حالی که خانواده‌های دیگر هنگام مواجهه با همین عوامل، دچار پیامدهای ناگواری می‌شوند. دلیل تفاوت رفتار خانواده‌ها در نحوه تعامل با عوامل استرس‌زا و تفاوت ادراکی برای تعیین سطح استرس قابل تحمل نسبت داده شده است. در مرکز نظریه استرس خانواده، فرض بر این است که خانواده‌ها هرگز قربانی شرایط خود نیستند؛ زیرا آن‌ها از قوه ابتکار بهره می‌برند و در شرایط سخت می‌توانند از تجارب خود استفاده کنند. خانواده‌ها می‌توانند در مواجهه با چالش‌های زندگی به‌طور مثبتی انعطاف‌پذیر باشند. بنابراین، با توجه به این نظریه، هدف اصلی یک درمانگر مالی توانمندسازی افراد است. درمانگران مالی براساس مستندات مالی مربوط به افراد درباره دارایی‌ها، بدهی‌ها، نسبت‌های بدهی و درآمد و کفایت درآمد درک‌شده آنان (ارزیابی ذهنی میزان پوشش درآمد از هزینه‌های زندگی)، به آنان پیشنهادهای مالی ارائه می‌دهند تا بتوانند بر مسائل مالی خود فائق آیند و از گسترش این مسائل بر دیگر مسائل روانی آن‌ها پیشگیری شود و توانایی آن‌ها را در چیرگی بر شرایط استرس‌زا و استفاده از آن در جهت رشدشان فراهم کنند (گرت، ۲۰۱۰).

عوامل متمایزکننده

تشخیص‌ها و جهت‌گیری زمانی

با توجه به اینکه فعالیت‌های مربوط به کاهش مشکلات، اختلالات مالی و عملکرد نامناسب و نیز فعالیت‌های مرتبط با تسهیل سلامت و عملکرد بهینه به عنوان دو حوزه مجزا در نظر گرفته می‌شوند، بر این اساس یک تمایز خاص بین مربی‌گری مالی و مالی درمانی وجود دارد. تحلیل‌گران مالی طبق تعریف می‌توانند با افراد در حوزه اختلالات مالی روانی و نیز افرادی که به دنبال رشد مالی و بهبود رفاه خود هستند، برخورد داشته باشند. در ارتباط با اهداف روشن‌گرانه، فایرلی و استوت (۲۰۰۴) مدل خاصی در این بخش در حوزه درمان سنتی معرفی کردند که در عمل نشان می‌دهد با وجودی که درمانگران امکان طبقه‌بندی افراد را از ۱۰- تا ۱۰+ داشته باشند، فعالیت مربی در این رابطه می‌تواند فقط از ۰ تا ۱۰+ باشد (این طیف نشان‌دهنده اعدادی است که برای سنجش فعالیت‌ها و وضعیت افراد استفاده می‌شود).

مطابق مباحث موجود معمولاً بیان می‌شود وضعیت سلامت روانی توزیع عادی داشته و مربی‌گری احتمالاً به بخش سلامت در این طیف کمک می‌کند و علاوه بر این به مراجعه‌کنندگان دچار مشکل که ممکن است نسبت به تغییرات مقاوم یا در برابر ایجاد تغییر آماده نباشند، کمک مؤثر نماید (مارلو و همکاران، ۲۰۱۹). در این حوزه، مربی‌گری مالی برای توسعه عادت‌های مالی سالم و دستیابی به اهداف کمک می‌کند.

مربی‌گری مالی متکی بر تعریف بیماری روانی براساس مدل پزشکی متداول نیست. در واقع مربی‌گری نمی‌تواند و نباید به دنبال درمان مشکلات سلامت روانی و یا اختلالات پولی باشد. هرچند بسیاری از مشتریان مربی‌گری مالی ممکن است سطوح بالایی از تشویش، عدم قطعیت و استرس به خاطر مشکلات مالی خود داشته باشند، معادل دانستن مشکلات مالی با آسیب‌شناسی کلینیکی اشتباه است (دلگادیلو، ۲۰۱۴). در مربی‌گری، مشکلات مالی با توجه به سطح تحمل فرد بررسی نمی‌شود و مربیان مالی انعکاسی از انتخاب‌های محدود هستند. در این شرایط فرد بیمار نبوده و در واقع دچار مشکل است و این شرایط به معنی این نیست که مربی‌گری مشکلات و دشواری‌ها را نادیده می‌گیرد، بلکه به جای آن توجه خود را به عوامل مطلوب جلب می‌نماید (کلانسی و بینکرت، ۲۰۱۲).

این شرایط به‌طور مشابه می‌تواند برای مالی درمانی نیز مشاهده شود. به هر حال، تفاوت بزرگ در این حوزه این است که درمانگران مالی (در صورت آموزش مناسب) دارای قدرت انتخاب لازم برای اتکا به تشخیص پزشکی مشکلات یا مسائل در مواردی هستند که انجام این کار در ظاهر برای درمان فرد مناسب باشد. کلونتر و کلونتر (۲۰۰۹) در پژوهش خود مشکلات مالی را به عنوان یک «الگوی مداوم، قابل پیش‌بینی و اغلب محکم رفتارهای مالی مخرب که عامل استرس، تشویش و نگرانی احساسی بوده و به بخش‌های بااهمیت از زندگی فرد آسیب می‌زند، تعریف می‌نماید». این پژوهشگران در ادامه ادعا کرده‌اند ایزوله کردن مشکلات مالی یا دوره‌های خرج کردن بیش از حد بهینه، افراد دچار اختلالات مالی نیستند و با این شرایط باید متفاوت از اختلالات مالی برخورد شود.

از نظر پزشکی و براساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، حداقل سه اختلال پولی وجود دارد که در اصطلاح به آن‌ها اختلال وسواس خرید، قماربازی بیمارگون و اختلال احتکار می‌گویند. در یک نشریه خاص مالی درمانی، کانال، آرچولیتا و کلونتر (۲۰۱۵) تعداد ۹ مورد اختلال پولی را که در ادبیات مالی درمانی تعریف شده، بررسی بررسی کرده‌اند که عبارت از: اختلال وسواس خرید، قماربازی بیمارگون، اعتیاد به کار، اختلال احتکار، انکار مالی، توانمندسازی مالی، وابستگی مالی، اختلال مالی و خیانت مالی است. برای هر یک از این اختلالات، پژوهشگران در مطالعه فوق فهرستی از معیارهای تشخیصی، علائم روانی، علائم مالی، آسیب‌شناسی شیوع و مداخلات احتمالی معرفی کرده‌اند (کنال و همکاران، ۲۰۱۵).

مربی‌گری مالی در رویکرد خود فرایند شناسایی و اصلاح ویژگی‌های مشتریان نسبت به مسائل پولی و شرایط مربوط به آن را تسهیل می‌نماید؛ اما این وضعیت در حالی است که مربی‌گری مالی نمی‌تواند اختلالات پولی را درمان کند. شرایط پولی نشان‌دهنده اعتقادات موجود فرد نسبت به مسائل پولی است که «معمولاً فقط تا حدودی صحیح بوده، اغلب در دوران بچگی توسعه یافته و به دنبال آن در شرایط بزرگسالی ادامه می‌یابد» (کلونتر و همکاران، ۲۰۱۵). مثال‌هایی از آن عبارت است از: اجتناب پولی، ستایش پولی، شأن پولی و مراقبت پولی است (جانسون و تاکاساوان^۱، ۲۰۱۵ و کوفیمن و کوتو، ۲۰۰۹).

علاوه بر بیان مشکلات پولی، یکی از حوزه‌هایی که در آن درمانگران مالی برتری خاص نسبت به مربی‌گری مالی دارند، در ارتباط با هوش‌سنجی است. مربیان مالی طبق تعریف نمی‌توانند تست روان‌شناسی مالی یا تشخیص خاص در این حوزه داشته و این شرایط در حالی است که تشخیص‌ها منجر به آسیب‌شناسی یا برچسب‌زنی می‌شود. به خاطر اینکه در مربی‌گری مالی از یک چارچوب غیرآسیب‌شناسانه استفاده می‌شود، این رویکرد در عمل مبتنی بر ارزیابی مالی و نه تشخیص مالی است (گل و همکاران، ۲۰۲۰). یک پژوهش انجام‌شده بر روی مربی‌گری در دانشگاه هاروارد نشان می‌دهد مهمترین ابزار ارزیابی که مربیان به‌کار برده‌اند «مراحل تغییر» می‌باشد (گرت، ۲۰۰۳). به این ترتیب ارزیابی‌های دقیق انجام‌شده در این حوزه این امکان را فراهم می‌کند که یک مربی بهترین استراتژی مربی‌گری را برای کمک به مشتری انتخاب کرده و نسبت به فعالیت‌های مشتری اجرا نماید.

با وجودی که مربیان به آموزش در ارتباط با چگونگی کمک به فرد دچار مشکلات سلامت روانی نیازی ندارند، مربی می‌تواند از آموزش مناسب در ارتباط با تشخیص علائم احتمالی بیماری‌های ذهنی به منظور ارجاع به آن‌ها استفاده نماید. به این ترتیب مربی می‌تواند یک تصمیم آگاهانه در ارتباط با مناسب بودن شروع یا خاتمه یک رابطه مربی‌گری اتخاذ نماید. در این شرایط رویکردی که مربیان از طریق آن مرز موجود در این حوزه را شناسایی می‌کنند در عمل بیشتر ریشه در یک چارچوب تئوریک و اخلاقی داشته و کمتر مبتنی بر احساس موجود نسبت به محدوده

امن فرد می‌باشد. در این شرایط مربی‌گری نیاز دارد توانایی «اتخاذ قضاوت‌های روشن، مؤثر، اخلاقی و قانونی را به عنوان کارایی مربی‌گری در ارتباط با یک مراجعه‌کننده خاص» در اختیار داشته باشد (بوکلی، ۲۰۰۷ و گرت، ۲۰۱۰).

مربی‌گری یک رویکرد مداخله‌گرانه با هدف‌گیری نقاط قوت و راهکارهای موجود بوده و بر ریشه مشکلات موجود تمرکز ندارد (۵). در طرف مقابل مالی درمانی می‌تواند به پیدایش یا علت ایجاد یک مشکل توجه نماید، اما به‌طور همزمان می‌تواند با توجه به یک دیدگاه مبتنی بر راه حل، مطابق آنچه آرچولتا و همکاران (۲۰۱۵) بیان می‌کنند، رویکردهای خود را اجرا نماید. در یک رویکرد مبتنی بر راه حل (که برای هر یک از حوزه‌های مربی‌گری مالی یا مالی درمانی استفاده می‌شود) لازم است از طرح پرسش‌های «چرا؟» و «چه چیزی اشتباه است؟» اجتناب شود. یک راهکار مبتنی بر راه حل بر شرایط آتی، شناسایی موانع، هدف‌گذاری و اقدام خلاقانه تأکید می‌کند. بنابراین مربی‌گری و مالی درمانی مبتنی بر راه حل این پرسش را مطرح می‌کند که چه اقداماتی می‌توان در حال حاضر برای پیشرفت و حرکت به جلو انجام داد. در مقابل این مفهوم این پرسش مطرح می‌شود که چرا فرد در این موقعیت قرار دارد.

مربی‌گری مالی و مالی درمانی را همچنین می‌توان به صورت متمایز با توجه به جهت‌گیری زمانی تعریف کرد. علاوه بر توجه به مسائل جاری و آتی مشابه آنچه مربی‌گری مالی انجام می‌دهد، مالی درمانی توانایی مشخص برای بیان آسیب‌های قبلی را دارد. با توجه به گواهینامه‌هایی که یک درمانگر مالی دریافت می‌کند و رویکردهای آسیب‌زای مختلف، درمانگران مالی می‌توانند شرایط گذشته، حال و آینده مشتریان خود را تشریح نمایند. این شرایط در حالی است که در صورت آموزش مناسب افراد، تشخیص‌های مربوط به ابتلا به بیماری می‌تواند به همراه درمان‌های لازم برای غلبه بر مشکلات موجود به کار گرفته شوند.

مدل‌های مشخص مالی درمانی مثل مالی درمانی روان‌پویشی (پالمر، ۲۰۱۱)، مالی درمانی خودروان‌شناسی (باکر و لیونز، ۲۰۱۵) و مالی درمانی انسانی در سال ۲۰۱۵ (گرت، ۲۰۰۵) به‌طور عمیق ریشه در آسیب‌های روانی گذشته دارد. به هر حال، سایر مدل‌های مالی درمانی به‌طور مشخص بر رفتار فعلی و آتی افراد مثل مالی درمانی مبتنی بر راه‌حل (۱) و رویکرد ایجاد تغییر و مصاحبه انگیزشی برای مالی درمانی (کلونتز و همکاران، ۲۰۱۵) متمرکز است. سایر مدل‌های مالی درمانی ارائه شده در کتاب ویرایش شده کلونتز بریت و آرچولیتا و همکاران (۲۰۱۵) نشان می‌دهد مالی درمانی بیشتر ماهیت یک چتر را برای انتخاب‌های مختلف افراد حرفه‌ای برای کمک به مشتریان در جهت بیان مشکلات رفتاری، شناختی، احساسی، نسبی و اقتصادی به منظور تأثیرگذاری بر سلامت مالی آن‌ها دارد. از طرف دیگر، مربی‌گری مالی به‌طور خاص بیشتر در رویکردهای طراحی شده در این حوزه قابل مشاهده است.

مدل جبران خدمت

خدمات مربی‌گری مالی در زمان حاضر غالباً مربیان پولی در بخش غیر انتفاعی و در حوزه خصوصی ارائه می‌دهند. هنگامی که خدمات مربی‌گری مالی را نهادهای غیرانتفاعی ارائه کنند، معمولاً برای مشتری بدون هزینه است و در این حالت مشتریان در بازه‌های خاص درآمدی قرار می‌گیرند. برخی از سایر ارائه‌دهندگان خدمات مربی‌گری در بخش غیرانتفاعی با مطالبه حق الزحمه‌ای جزئی فعالیت کرده و برخی دیگر براساس توانایی و استطاعت فرد حق الزحمه خود را مشخص می‌کنند. مربی‌گری مالی خصوصی می‌تواند هزینه‌ای بین ۹۰ تا ۲۵۰ دلار برای فرد در هر ساعت داشته باشد و این مبلغ به‌طور خاص براساس یکی از مصاحبه‌هایی که پژوهشگران با پنج مربی مالی در بخش خصوصی انجام داده‌اند محاسبه شده است. این حق الزحمه‌ها را می‌توان به‌طور مشخص به عنوان بهای هر جلسه یا به صورت

مبلغ ماهانه که پوشش‌دهنده تعداد مشخصی از جلسات مربی‌گری مالی از مراجعه‌کنندگان مطالبه نمود. باید توجه داشت که بیمه سلامت معمولاً خدمات مربی‌گری را پوشش نمی‌دهد.

پرداخت برای استفاده از خدمات مالی درمانی پیچیده و مبتنی بر حوزه اصلی عملکرد ارائه‌دهنده خدمات است. طبق اظهارات درمانگران شرکت‌کننده در پژوهشی که انجمن مالی درمانی در سال ۲۰۱۳ انجام داده، کمی بیش از نیمی ازین درمانگران حقوق یا حق‌الزحمه ساعتی از مشتریان خود دریافت کرده‌اند و این شرایط در حالی است که درصد کمی از درمانگران مالی براساس یک مدل برنامه‌ریزی مالی سنتی همچون پرداخت کمیسیون یا واگذاری دارایی تحت مدیریت، حق‌الزحمه خود را دریافت کرده‌اند. مهم است که شرکت‌کنندگان در مطالعه بیان کرده‌اند، تمام درآمد آن‌ها مربوط به خدمات ارائه‌شده در حوزه مالی درمانی نیست. در حقیقت با توجه به این نتایج نیمی از شرکت‌کنندگان در مطالعه گزارش کرده‌اند، درآمد آن‌ها از محل مالی درمانی فقط یک چهارم کل درآمد آن‌ها را در مجموع تشکیل می‌دهد (آسپیدو و همکاران، ۲۰۱۳).

روابط حرفه‌ای

با وجودی که مربی‌گری مالی و مالی درمانی به عنوان فعالیت‌های در حال پیشرفت شناخته می‌شوند، مراجعه‌کنندگان معمولاً به درمانگران خود به عنوان یک متخصص نگاه می‌کنند که پاسخ‌ها و تکنیک‌های لازم را برای رفع مشکل آن‌ها در اختیار دارند (ویدراسپون و وایت، ۲۰۰۳). از طرف دیگر مراجعه‌کنندگان مربی‌گری مالی به مربی خود به عنوان یک شریک برای حمایت از شرایط رشد و تلاش‌های انجام‌شده برای ایجاد یک زندگی بهتر نگاه می‌کنند (روجرز^۱، ۲۰۰۴). با وجود این، در حوزه مربی‌گری مالی، در بسیاری از مواقع لازم می‌شود مربی خدمات یک کارشناس متخصص را به افراد ارائه کند. این شرایط باعث می‌شود مربی نقش متخصص مشاوره‌دهنده را داشته باشد که این نقش حتی در حوزه روان‌شناسی مربی‌گری می‌تواند تا حدودی چالش‌برانگیز باشد. گرنِت (۲۰۰۵) بیان کرده دو مکتب فکری در این رابطه وجود دارد؛ یکی از این مکاتب با توجه به فعالیت ویتنور به عنوان غیرجهت‌دار و رویکرد «سؤال نه صحبت» بوده که تسهیل‌کننده فرایند خوداکتشافی مراجعه‌کننده است. این شرایط در حالی است که گولداسمیت رویکرد جهت‌دار را به عنوان رویکرد سؤال نه صحبت معرفی گرنِت (۲۰۰۵) و بیان می‌کند این دو رویکرد از نظر گروه‌بندی متفاوت نیستند؛ اما ریشه در یک طیف دارند و در این حالت مسائل موجود باید با توجه به آنچه برای مراجعه‌کنندگان بهترین است، هدایت شود.

مشابه الگوی درمان، مربی‌گری فعالیت خود را از رویکرد متمرکز بر یک فرد شروع می‌کند (مور و همکاران، ۲۰۱۰). با وجود این، عامل مشترک در یک رابطه مربی‌گری می‌تواند متفاوت از عواملی باشد که در رابطه‌ای درمانی به‌طور عادی مشاهده می‌شود. ادبیات پژوهش در حوزه مربی‌گری در برگیرنده نمایش اثربخشی مربی‌گری برای شناسایی عوامل مبتنی بر روابط مربی‌گری است که به‌طور با اهمیت بر نتایج حاصل از مربی‌گری تأثیر خاص دارد (جانسون و تکسون، ۲۰۱۵). براساس مطالعه گرانِت، چهار معیار کلی برای روابط مربی با فرد تحت مربی‌گری به شرح زیر وجود دارد: (۱) حمایت از خودمختاری یک رویکرد انسانی نشان‌دهنده عواملی مثل همدلی، دیدگاه مثبت غیرشرطی و اطمینان (۲) میزان رضایت مشتری نسبت به رابطه مربی و فرد تحت مربی‌گری؛ (۳) میزان شباهت رابطه مربی‌گری با رابطه مربی‌گری ایده‌آل فرد و نیز (برسر و ویلسون، ۲۰۱۰) یک رابطه مربی‌گری مبتنی بر هدف (گرنِت، ۲۰۱۴).

لامبرت و بارلی (۲۰۰۱) در پژوهش خود بیان کرده‌اند یک رابطه‌ی درمانی حمایتی می‌تواند حدود ۳۰٪ اختلاف در نتایج را نشان دهد و این شرایط در حالی است که تئوری و تکنیک‌های موجود در این حوزه حدود ۱۵٪ موارد انحراف در نتایج را نشان می‌دهد. در یک رابطه‌ی مربی‌گری، حالت عکس این موضوع نیز می‌تواند برقرار باشد (۳۰). گرانت در پژوهش خود به این نتیجه رسیده که «تئوری و تکنیک‌ها (برای مثال تئوری هدف و رابطه‌ی هدف‌محور) ۱۸٪ از موارد انحراف در نتایج را پاسخ‌گو است و این شرایط در حالی است که یک رابطه‌ی حمایتی در این بخش فقط ۸٪ انحراف در نتایج را نمایندگی می‌نماید» (گرنت، ۲۰۰۳).

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر مطالبی بیان شده که براساس آن مربی‌گری مالی و مالی درمانی با توجه به برخی مسائل کلیدی متفاوت هستند که این شرایط در هر دو حوزه روان‌شناسی و اجرایی مشاهده می‌شود. در این شرایط پیشنهاد نمی‌شود که هریک از این رویکردها نسبت به رویکرد دیگر بهتر یا دقیق‌تر است. به عبارت دیگر هر یک از این رویکردها می‌تواند در موقعیت‌های مالی خاص مناسب‌تر باشد. به هر حال، با درک صریح‌تر ماهیت تفاوت‌ها، پژوهشگران می‌توانند قابلیت‌ها و موانع آتی برای ورود به حرفه را شناسایی نموده و تشخیص دهند. در این رابطه در پژوهش حاضر بیان شده مالی درمانی رویکردی جامع‌تر نسبت به مربی‌گری مالی است. از سوی دیگر مالی درمانی می‌تواند به کاهش سوگیری پولی و نیز بهبود مشکلات روانی پولی تمرکز نماید و این موارد به‌طور خاص در حوزه‌ای قرار می‌گیرد که خارج از مربی‌گری مالی است. علاوه بر این مالی درمانی می‌تواند مشکلات و آسیب‌های قدیمی را مشابه مربی‌گری مالی تشریح نماید و در ادامه باعث پرورش و نیز بهبود شرایط رشد و پیشرفت فعلی و آتی شود. مالی درمانی متمرکز بر تغییر رفتار است تا این تغییر منجر به تغییر احساسی و انگیزشی شود و سپس، وضعیت مالی یا نگرش افراد نسبت به مسائل مالی تغییر کند و در پایان این فرایند کیفیت زندگی افراد بهبود یابد. در واقع، به نظر می‌رسد هدف نهایی مالی درمانی بهبود کیفیت زندگی به کمک بالا بردن برخی از جنبه‌های مالی است. در این ارتباط، نکته‌ی مهم آن است که حوزه‌ی مالی درمانی، بهبود کامل سلامت مالی افراد را در نظر ندارد، هرچند کمک در رفع برخی از جنبه‌های مسائل مالی (واقعی و ادراکی) می‌تواند به افراد انگیزه دهد تا در بهبود سلامت مالی خود تلاش کنند. همچنین با این که بین سلامت ذهنی و جسمی افراد ارتباط وجود دارد، ولی مالی درمانی بر مسائل جسمی افراد تأکید و تمرکز ندارد. در رویکرد «مربی‌گری مالی» درمان و سلامت مراجعه‌کنندگان به عنوان پیش فرض مورد توجه قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که یک درمانگر می‌تواند تجربیات مربی‌گری را نیز به فعالیت‌های خود اضافه نماید؛ اما یک مربی مالی هیچ‌گاه نباید خدمات درمانی به افراد ارائه کند. به همراه شناخت و درک همگرایی و واگرایی رویکردهای مربی‌گری مالی و مالی درمانی، نیاز است چارچوب‌های نظری و صلاحیت‌های کلیدی در اختیار افراد حرفه‌ای قرار گیرد و تجربیات و دانش لازم برای ایفای موثر مسئولیت‌های واگذار شده به این افراد منتقل شود. به این ترتیب هر دو حوزه به نوبه‌ی خود دارای جایگاه خاص در تسهیل سلامت مالی هستند. با توجه به نوظهور بودن این رشته در جهان و نیز فعالیت‌های ارزشمند انجمن مالی درمانی، افق‌های روشنی درباره‌ی پژوهش در این حوزه در سرتاسر جهان وجود دارد. علاوه بر این، با توجه به جهان‌شمول بودن مسائل مالی و فشارهای اقتصادی بر مردم سرتاسر جهان و تأثیر مستقیم آن‌ها بر سلامت روانی جامعه، بستر مناسبی برای پژوهش‌ها و ارائه‌ی خدمات مالی درمانی در ایران نیز فراهم است، ضمن این که توسعه و گسترش این رشته در شرایط اقتصادی کنونی ایران

به توانمندسازی تعداد قابل توجهی از افراد جامعه برای رویارویی با شرایط بد اقتصادی و جلوگیری از تأثیرات مخرب مسائل اقتصادی بر سلامت روانی و جسمی جامعه منجر می‌شود.

References

- Archuleta, K. L., Grable, J. E., & Burr, E. (2015). Solution-focused financial therapy. *In Financial therapy* (pp. 121-141). Springer, Cham.
- Asebedo, S., McCoy, M. A., & Archuleta, K. L. (2013). 2013 Membership profile of the financial therapy association: A strategic planning report. *Journal of Financial Therapy* Volume, 4(2).
- Baker, M. N., & Lyons, C. P. (2015). Financial therapy from a self-psychological perspective. *In Financial therapy* (pp. 303-323). Springer, Cham.
- Bresser, F., & Wilson, C. (2010). What is coaching. Excellence in coaching: *The industry guide*, 2.
- Britt, S. L., Klontz, B. T., & Archuleta, K. L. (2015). Financial therapy: Establishing an emerging field. *In Financial Therapy* (pp. 3-13). Springer, Cham.
- Buckley, A. (2007). The mental health boundary in relationship to coaching and other activities. *International journal of evidence based coaching and mentoring*, 7(1), 17-23.
- Canale, A., Archuleta, K. L., & Klontz, B. T. (2015). Money disorders. *In Financial Therapy* (pp. 35-67). Springer, Cham.
- Clancy, A., & Binkert, J. (2010). Appreciative coaching: Pathway to flourishing. *Excellence in coaching: The industry guide*, 147-156.
- Collins, J. M., Olive, P., & O'Rourke, C. (2013). Financial coaching's potential for enhancing family financial security. *Journal of Extension*, 51(1), 1-6.
- Couto, D. & Kauffman, C. (2009). What can coaches do for you? *The Harvard Review*, 87(1), 91-97.
- Chatterjee, S., & Fan, L. (2021). Older adults' life satisfaction: the roles of seeking financial advice and personality traits. *Journal of Financial Therapy*, 12(1), 4.
- Delgadillo, L. M. (2014). Financial clarity: Education, literacy, capability, counseling, planning, and coaching. *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 43(1), 18-28.
- Delgadillo, L. M. (2015). Coaching and financial counseling communication skills: A comparative analysis. *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 43(3), 259-268.
- Du Toit, A. (2014). *Making sense of coaching*. Sage.
- Ford, M. R., Ross, D. B., Grable, J., & DeGraff, A. (2020). Examining the role of financial therapy on relationship outcomes and help-seeking behavior. *Contemporary Family Therapy*, 42(1), 55-67.
- Gale, J., Goetz, J., & Britt, S. L. (2012). Ten considerations in the development of the financial therapy profession. *Journal of Financial Therapy* Volume, 3(2).
- Gale, J., Ross, D. B., Thomas, M. G., & Boe, J. (2020). Considerations, benefits and cautions integrating systems theory with financial therapy. *Contemporary Family Therapy*, 42(1), 84-94.
- Grant, A. M. (2003). The impact of life coaching on goal attainment, metacognition and mental health. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 31(3), 253-263.
- Grant, A. M. (2005). What is evidence-based executive, workplace and life coaching. *Evidence-based coaching*, 1, 1-12.
- Grant, A. M. (2014). Autonomy support, relationship satisfaction and goal focus in the coach-coachee relationship: Which best predicts coaching success?. *Coaching: An International Journal of Theory, Research and Practice*, 7(1), 18-38.
- Johnson, L. M., & Takasawa, K. H. (2015). Humanistic approaches to financial therapy. *In Financial Therapy* (pp. 325-345). Springer, Cham.
- Klontz, B., Britt, S. L., & Mentzer, J. (2011). Money beliefs and financial behaviors: Development of the Klontz Money Script Inventory. *Journal of Financial Therapy*, 2(1), 1-22.
- Klontz, B. T., Horwitz, E. J., & Klontz, P. T. (2015). Stages of change and motivational interviewing in financial therapy. *In Financial Therapy* (pp. 347-362). Springer, Cham.
- Klontz, B., & Klontz, T. (2009). Mind over money: *Overcoming the money disorders that threaten our financial health*. Currency.

- Lambert, M. J., & Barley, D. E. (2001). Research summary on the therapeutic relationship and psychotherapy outcome. *Psychotherapy: Theory, research, practice, training*, 38(4), 357-361.
- Marlowe, T., Hedberg, E., Gabouer, A., Hernandez, M., Feinstein, A., Davis, S., ... & Promise, O. (2019). Relationship between financial well-being, life stress, and the uptake of financial coaching. Research Brief. *Consumer Financial Protection Bureau*.
- Modestino, A. S., Sederberg, R., & Tuller, L. (2019). Assessing the effectiveness of financial coaching: Evidence from the Boston Youth Credit Building Initiative. *Journal of Consumer Affairs*, 53(4), 1825-1873.
- Moore, M., Highstein, G., Tschannen-Moran, B., & Silverio, G. (2010) Coaching behavior change. In M. Moore & B. Tschannen-Moran (Eds.), *Coaching: Psychology manual* (1st ed., pp. 33-51). Baltimore, MD: Lippincott Williams & Wilkins.
- Price, J. (2009). The coaching/therapy boundary in organizational coaching. *Coaching: An international journal of theory, research and practice*, 2(2), 135-148.
- Trachtman, R. (2015). Psychodynamic financial therapy. In *Financial therapy* (pp. 285-301). Springer, Cham.
- Williams, P., & Davis, D. C. (2007). *Therapist as life coach: An introduction for counselors and other helping professionals (revised and expanded)*. WW Norton & Company.
- Witherspoon, R., & White, R. (2003). Essential ways that coaching can help executives. *Journal of Excellence*; (8): 7-14.

